



خوز و خوزی در منابع طب سنتی ایران

محسن ناصری^{الف*}، ابوالقاسم سلطانی^ب، فرزانه غفاری^ج، طیبه طاهری‌پناه^ه، حسین رضایی‌زاده^ت،
مهرداد کریمی^ت، مهناز محسن‌زاده^و

الف مرکز تحقیقات طب سنتی ایران، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

ب گروه طب اسلامی و سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

ج گروه تاریخ و متون پزشکی، دانشکده‌ی طب سنتی و عصر اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

د گروه رادیوتراپی-انکولوژی، بیمارستان امام حسین (ع)، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

ه دانشکده‌ی طب سنتی و مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

و گروه طب سنتی ایران، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

خوز و خوزی و کتاب‌هایشان به نام شوسماهی و جامع الخوز به کرات به عنوان مرجع در منابع مهم پزشکی قدیم در اسلام و ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند ولی متأسفانه امروزه در دسترس نمی‌باشند.

در این مطالعه چهار کتاب «القانون فی الطب» ابن سینا، «الحاوی» رازی، «الجامع المفردات الأغذية والأدوية» ابن‌بیطار و «الصیدنة» ابوریحان بیرونی برای اوّلین بار مورد استقصای کامل قرار گرفت و کلیه ارجاع‌های مربوط به خوز و خوزی بطور کامل مشخص گردید. مطالعه‌ی حاضر نشان داد، در کتاب الحاوی ۲۱۷ بار، در کتاب القانون ۱۶ بار، در کتاب الجامع ۴۴ بار و در کتاب الصیدنة ۱۷ بار به خوز و خوزی ارجاع داده شده است. با توجه به جملاتی مانند «اجتمعت الخوز»، «قالت الخوز قاطبه»، «قیل فی جامع الخوز»، «الخوز فی شوسماهی» و «قیل فی شوسماهی الخوز»، به نظر می‌رسد که برای اوّلین بار در تاریخ پزشکی، دانشمندان مکتب پزشکی جندی‌شاپور یا گروهی از آنان، نظرات و آراء خود را که بر آن اجماع داشته‌اند در یک یا چند کتاب مدون نموده و برای بشریت به ودیعت نهاده‌اند. همچنین با توجه به بعضی از ارجاع‌های مستقیم بیرونی و ابن‌بیطار به خوز و خوزی که بدون ذکر منبع واسطه است، این احتمال وجود دارد که برخی از کتاب‌های خوزیان در مناطق مختلف، حتی در اندلس آن‌روز، در دسترس بوده است.

واژگان کلیدی: خوز، خوزی، خوزیان، ارجاع، طب سنتی

استفاده و استناد قرار گرفته است، ولی متأسفانه امروزه این آثار

مقدمه

به صورت مستقل در دسترس نیستند. سزگین در بررسی کتاب الحاوی، ۶۵ مورد و در بررسی صیدنه، ۵ مورد واژه‌های خوز و خوزی را ذکر نموده و بیان کرده است که با استقصای کامل ارجاعات به خوز می‌توان پرده از ابهامات موجود در رابطه با خوز و خوزی را از میان برداشت

آمدن دو واژه‌ی «خوز» و «خوزی» در متون پزشکی قدیم و بیان دیدگاه‌ها و نظرات ایشان، بیانگر این نکته است که خوزیان صاحب مکتب در زمینه‌ی علوم پزشکی و داروسازی در دانشگاه جندی‌شاپور بوده‌اند و کتاب‌های مهمی در این زمینه داشته‌اند که در متون پزشکی اسلام و ایران بارها مورد

۱/۱۰۷، ۱۴/۲۴۹/۶، ۱۹/۲۱۳/۶، ۱۱/۱۵۰/۶، ۴/۱۳۳/۶، ۹/۲۴۹/۶، ۱۹/۲۱۳/۶، ۱۱/۱۵۰/۶، ۴/۱۳۳/۶، ۲۰/۲۲۶/۷، ۲/۱۶۰/۷، ۴/۸۷/۷، ۱۱/۳۵/۷، ۸/۳۵/۷، ۱۳۵/۷، ۲۰/۱۴۴/۹، ۱۱/۲۷/۹، ۱۶/۲۶/۹، ۱۴/۲۶/۹، ۱۶/۱۵۶/۸، ۴/۲۲۷/۷، ۷/۲۴۱/۱۰، ۵/۲۴۱/۱۰، ۶/۱۳۲/۱۰، ۱۸/۱۴۶/۹، ۸/۱۴۵/۹، ۱۸/۳۰۴/۱۰، ۱۴/۳۰۴/۱۰، ۱۵/۳۰۴/۱۰، ۱۶/۳۰۴/۱۰، ۱۸/۳۰۴/۱۰، ۷/۲۶۸/۱۰، ۵/۳۰۷/۱۰، ۱۱/۳۰۵/۱۰، ۲/۳۰۵/۱۰، ۷/۱۵/۱۱، ۳/۳۱۵/۱۰، ۱۷/۳۱۲/۱۰، ۱۰/۳۰۶/۱۰، ۱۷/۱۶/۱۱، ۱۷/۱۵/۱۱، ۱۶/۱۵/۱۱، ۱۴/۱۵/۱۱، ۱۷/۱۵/۱۱، ۱۶/۱۵/۱۱، ۱۴/۱۵/۱۱، ۳/۵۹/۱۱، ۷/۵۸/۱۱، ۳/۵۸/۱۱، ۱۳/۱۷/۱۱، ۵/۱۷/۱۱، ۱۶/۲۵۰/۱۱، ۱۲/۱۹۴/۱۱، ۹/۱۹۴/۱۱، ۸/۱۹۴/۱۱، ۲/۱۹۳/۱۱، ۱۲/۲۳/۱۲، ۱۲/۳۱۷/۱۱، ۵/۳۱۷/۱۱، ۳/۳۰۷/۱۱، ۱۲/۲۵۹/۱۹، ۱۵/۲۴۶/۱۹، ۷/۲۳۸/۱۶، ۱/۹۶/۱۶، ۸/۵۰/۱۴، ۷/۶۲/۲۰، ۷/۵۹/۲۰، ۹/۱۰/۲۰، ۵/۳۸۹/۱۹، ۲/۲۸۷/۱۹، ۳/۲۶۰/۱۹، ۱۲/۱۲۸/۲۰، ۱۱/۹۸/۲۰، ۱۰/۹۵/۲۰، ۱۲/۷۷/۲۰، ۴/۶۸/۲۰، ۴/۱۹۰/۲۰، ۱۲/۱۸۳/۲۰، ۴/۱۷۰/۲۰، ۸/۱۴۲/۲۰، ۱/۱۲۹/۲۰، ۱۵/۳۰۹/۲۰، ۵/۲۹۸/۲۰، ۱۵/۲۲۲/۲۰، ۱۵/۲۱۱/۲۰، ۱۲/۳۳۷/۲۰، ۲/۳۳۱/۲۰، ۱/۳۲۷/۲۰، ۸/۳۱۳/۲۰، ۱۰/۴۱۱/۲۰، ۵/۳۹۲/۲۰، ۳/۳۵۲/۲۰، ۱۲/۵۲۱/۲۰، ۱۵/۰۶/۲۰، ۱۱/۵۰۴/۲۰، ۷/۴۴۵/۲۰، ۱۱/۴۳۰/۲۰، ۴/۵۴۱/۲۰، ۱۲/۵۲۵/۲۰، ۱/۶۰۹/۲۰، ۱۰/۵۹۸/۲۰، ۳/۵۹۵/۲۰، ۱۳/۵۹۳/۲۰، ۳/۵۰۳/۲۰، ۷/۱۰۵/۲۱، ۱۷/۱۴۶/۲۱، ۱۳/۷۰/۲۱، ۷/۶۲/۲۱، ۴/۴۵/۲۱، ۵/۲۰۲/۲۱، ۳/۲۰۲/۲۱، ۴/۱۶۲/۲۱، ۷/۲۲۷/۲۱، ۵/۲۲۲/۲۱، ۱۱/۲۱۷/۲۱، ۷/۲۱۰/۲۱، ۱/۲۶۰/۲۱، ۵/۲۳۲/۲۱، ۷/۲۵۷/۲۱، ۱۲/۲۵۵/۲۱، ۸/۲۳۱/۲۱، ۳/۳۰۰/۲۱، ۱۹/۲۹۹/۲۱، ۱۴/۲۸۰/۲۱، ۳/۲۷۷/۲۱، ۷/۲۶۸/۲۱، ۵/۳۴۳/۲۱، ۱۲/۳۴۲/۲۱، ۱۰/۳۳۱/۲۱، ۱۴/۳۲۹/۲۱، ۱/۳۰۴/۲۱، ۱/۳۶۶/۲۱، ۱۲/۳۵۸/۲۱، ۲/۳۶۱/۲۱، ۱۲/۳۴۹/۲۱، ۸/۴۶۸/۲۱، ۱۰/۴۵۳/۲۱، ۱۱/۴۱۲/۲۱، ۱۲/۳۹۱/۲۱، ۱۰/۳۷۷/۲۱، ۱۵/۵۱۵/۲۱، ۱/۵۰۸/۲۱، ۱۲/۴۹۹/۲۱، ۳/۴۹۱/۲۱، ۱۲/۴۷۷/۲۱، ۱۴/۵۶۳/۲۱، ۲/۵۶۱/۲۱، ۱۰/۰۵۳/۲۱، ۱۱/۰۵۲/۲۱، ۸/۵۱۸/۲۱، ۹/۶۰۹/۲۱، ۷/۰۹۰/۲۱، ۴/۵۷۹/۲۱، ۱۷/۰۷۷/۲۱، ۱۷/۵۶۳/۲۱، ۱/۳۲/۲۲، ۳/۶۵۲/۲۱، ۱۰/۶۲۹/۲۱، ۹/۶۱۷/۲۱، ۱۱/۲۱۹/۲۲(ق)۱/۲۲۳، ۸/۵۴/۲۲، ۳/۴۴/۲۲، ۱/۳۳/۲۲

(۱). اولمان نیز در جستجوی الحاوی جمعاً به ۹۳ مورد ارجاع‌های مختلف به خوز و خوزی اشاره دارد (۲)، همچنین لکلرک از رازی در کتاب الحاوی مجموعاً ۵۰ مورد و از ابن‌بیطار ۴۴ مورد واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است (۳). هدف این تحقیق گردآوری کامل و بررسی نظرات خوزیان از چهار کتاب «القانون فی الطب» ابن‌سینا، «الحاوی» رازی، «الجامع المفردات الأغذية و الأدوية» ابن‌بیطار و «الصیدناء» ابوالیحان بیرونی می‌باشد.

روش‌ها:

در مطالعه‌ی حاضر جستجوی کاملی در چهار کتاب «الحاوی» از رازی، «القانون فی الطب» از ابن‌سینا، «الجامع المفردات الأغذية و الأدوية» از ابن‌بیطار و «الصیدناء» از ابوالیحان بیرونی انجام پذیرفت و کلیه ارجاع‌های مربوط به خوز و خوزی بطور کامل مشخص گردید. در ادامه، مشتقات کلمه‌ی خوز و کاربرد کلمات خوز و خوزی بررسی شد و هویت خوز بر اساس متون مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

بررسی حاضر نشان داد که بطور خلاصه در کتاب الحاوی ۲۱۷ بار، در کتاب القانون ۱۶ بار، در کتاب الجامع ۴۴ بار و در کتاب الصیدناء ۱۷ بار به خوز و خوزی ارجاع داده شده است، که مفصل آن در ذیل ارایه گردیده است:

یافته‌های الحاوی:

در کتاب الحاوی رازی، خوز و خوزی ۲۱۷ بار به کار رفته است (۴)، که به ترتیب شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۲/۸۶/۲، ۱۸/۸۲/۲، ۱۲/۲۱۳/۱، ۱۱/۱۴۰/۱، ۷/۹۳/۱، ۴/۹۳/۱، ۳/۱۲۶/۳، ۹/۷۹/۳، ۱۷/۲۷/۳، ۱۹/۲۵۷/۲، ۲/۱۴۴/۲، ۱۸/۱۴۳/۲، ۶/۵۱/۴، ۱۷/۵۰/۴، ۷/۱۷/۴، ۱۸/۲۱۳/۳، ۱۴/۱۹۴/۳، ۴/۲۶/۳، ۸/۸۵/۵، ۱۹/۸۴/۵، ۱۷/۸۴/۵، ۴/۱۸۸/۴، ۱۲/۱۸۲/۴، ۱۷/۱۱۲/۴، ۲۰/۱۸۷/۵، ۹/۱۷۸/۵، ۱/۱۶۹/۵، ۱۰/۹۷/۵، ۹/۹۵/۵، ۳/۸۶/۵، ۱۹/۱۳۲/۶، ۶/۱۳۲/۶، ۴/۱۳۲/۶، ۵/۱۱۹/۶، ۳/۲۱۹/۵، ۱۶/۲۱۴/۵

شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۳۲/۹۱/۱، ۲۳/۳۳/۱، ۲۴/۶۳/۱، ۲۶/۷۱، ۳۰/۶۷/۱، ۱/۹۱/۲۷، ۱/۹۱/۱، ۵/۴۰/۲، ۱۲/۳۵/۲، ۳/۳۵/۲، ۱۰/۱۲۰/۱، ۱/۱۱۲/۱، ۱۸/۱۶۱/۲، ۱۶/۴۹/۲، ۱۸/۹۹/۳، ۱۴/۱۶۸/۲، ۱۵/۱۶۳/۲، ۱/۱۶۲/۳، ۳۰/۱۵۸/۳، ۲۵/۱۵۷/۳، ۲۲/۱۰۸/۳، ۲۸/۱۰۵/۳، ۲/۵۸/۴، ۲۶/۴۴/۴، ۴/۳۵/۴، ۳۲/۲۵/۴، ۲/۱۱/۴، ۲۴/۱۶۴/۳، ۲۰/۱۰۸/۴، ۳۱/۸۸/۴، ۵/۷۱/۴، ۳/۶۹/۴، ۱۰/۶۴/۴، ۱۷/۱۲۳/۴، ۲/۱۵۸/۴، ۱۴/۱۴۹/۴، ۲۲/۱۴۰/۴، ۱۴/۱۴۹/۴، ۱۵/۱۷۰/۴، ۷/۱۶۹/۴، ۲۹/۱۶۵/۴

در کتاب الجامع^۴ مورد واژگان دیگر مرتبط با خوز و خوزی به کار رفته است که در بالا ذکر نشده‌اند زیرا مستقیماً به نظرات خوز و خوزی که موضوع این مقاله می‌باشد، ربطی ندارند.

یافته‌های صیدنے:

در کتاب الصیدنے‌ی بیرونی، خوز و خوزی ۱۷ بار به کار رفته است^(۷)، که به ترتیب شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۱۷/۳۴، ۱۴/۱۴۰، ۱۸/۱۲۳، ۱۰/۱۱۲، ۱۱/۸۹، ۲۲/۵۸، ۱۷/۳۴، ۳/۱۵۰، ۵/۵۲۸، ۱۴/۳۱۰، ۷/۳۵۶، ۱۴/۳۱۰، ۱۰/۴۱۲، ۱۶/۵۱۵، ۱۴/۱۸۹، ۱۲/۵۳۰، ۱۷/۶۱۸، ۱۸/۶۱۱، ۱۳/۵۳۸

بحث:

دانشمندان مختلفی مانند اولمان، سزگین و لکلرک تعدادی از ارجاع‌های مختلف به خوز و خوزی را در آثار رازی و دیگر دانشمندان یافته‌اند و در آثار خود منعکس نموده‌اند که در این بخش در بند الف به تفصیل این مطلب مورد بحث قرار گرفته است. همچنین در رابطه با مفاهیم بیانات و همچنین هویت خوز و خوزی، نظرات مختلفی وجود دارد که در این مطالعه در بند ب به تفصیل این نظرات مورد بحث قرار گرفته است. همچنین به این سوال که آیا تا عصر ابن‌بیطار آثار خوز و خوزی در دسترس بوده است یا خیر؟ در بند ج پاسخ داده شده است.

الف - مقایسه‌ی تعداد مشتقات خوز:

۶/۲۵/۲۳	۲/۳۱۹/۲۳	۱۱/۳۱۸/۲۳
۱۲/۲۵/۲۳	۱۱/۲۵/۲۳	۸/۲۵/۲۳
		۱۲/۱۲۳/۲۳

قابل ذکر است مواردی شامل «جوارش خوزی» ۳ بار (۱۰/۲۰۴/۵، ۱۳/۲۰۹/۵، ۱۰/۲۰۹/۶)، «طین خوزی» (۱۴/۱۹۱/۹) و «الطین الخوزی» (۱۱/۱۷/۲۳)، «قطاء الخوزی» (۳/۳۰۰/۲۱) که جمعاً شش مورد می‌شوند مستقیماً به نظرات خوز و خوزی که موضوع این مقاله می‌باشد ربطی ندارند، ولی نشانگر این مطلب هستند که بعضی ترکیبات و بعضی مفردات خاص مربوط به این گروه و یا این منطقه می‌باشند و در طب و داروسازی نقش و اهمیت دارند.

یافته‌های القانون:

در کتاب قانون ابن‌سینا، خوز و خوزی ۱۶ بار به کار رفته است (۵)، که به ترتیب شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۱۷/۴۳۶/۱	۹/۴۵۹/۱	۱۷/۵۱۰/۱	۳/۴۶۷/۱	۴/۵۵۹/۱
۱۲/۶۶۸/۱	۸/۵۶۹/۱	۱۹/۶۴۶/۱	۴/۶۰۱/۱	۱۹/۵۹۵/۱
۱۰/۸۳۷/۱	۷/۷۸۹/۱	۱۹/۷۲۳/۱	۱۴/۷۰۴/۱	۱۰/۶۷۳/۱

در کتاب قانون ۲۶ مورد واژگان و عبارات دیگر مرتبط با خوز مانند «جوارش الخوزی»، «بزرگ دارو الخوزی»، «فیدادیقون الخوزی»، «الطین الخوزی»، «صعتر الخوزی»، «تکثر بالخوز و بعسکر مکرم» به کار رفته است که در بالا ذکر نشده‌اند، زیرا مستقیماً به نظرات خوز و خوزی که موضوع این مقاله می‌باشد، ربطی ندارند ولی نشانگر این مطلب هستند که بعضی ترکیبات و بعضی مفردات خاص مربوط به این گروه و یا این منطقه می‌باشند که در طب و داروسازی نقش و اهمیت دارند. یکی از موارد «فی بلاد خوزستان» می‌باشد که در رابطه با محل شیوع بیماری «عرق مدنی» آمده است.

یافته‌های الجامع:

در کتاب جامع ابن‌بیطار، در جملات ذیل خوز و خوزی ۴ بار به کار رفته است (۶)، که به ترتیب شماره‌ی جلد،

در جدول ۲ کاربردهای مختلف خوز و خوزی نشان داده شده است. ۱۰۹ بار «الخوز»، «قالت الخوز» ۳۲ بار، «الخوزی» ۱۷ بار و ...

مرحوم رازی در کتاب ارزشمند الحاوی با عبارات مختلفی از خوز و خوزی ذکر مطلب نموده است، که همان‌طور که سزگین پیش‌بینی نموده بوده است با در کنار هم قرار دادن عبارات متعلق از ایشان بسیاری از شباهات در مورد خوز و خوزی حل شد. اما سه برداشت مهم از جدول ۲ به‌دست می‌آید که به شرح زیر می‌باشد:

۱- هویت خوز و خوزی:

سزگین در رابطه با خوز و خوزی و هویت مربوطه چنین می‌نویسد:

«در ۲۱ جلد الحاوی که تا کنون منتشر شده است، نقل قول‌ها یا به صورت پیاپی پس از نام «الخوز»، یعنی بدون فعل آمده- همان‌طور که اغلب اوقات رازی چنین می‌کند- یا پس از فعل «قالت» (۴). این امر تا به حال این تصور را ایجاد کرده است که صحبت از اهالی خوزستان در میان است. اما رازی این کلمه را هم گاهی با سایر مراجع توأمًا می‌آورد، به صورتی که باید پذیرفت، وی مرجع خاصی را در نظر دارد، مثلاً آن‌گاه که وی از «الخوز و ابن‌ماسویه و ابن‌ماسه»، «ابن‌ماسویه- الخوز»، «الخوز(۱۶/۱۱-۱۷/۱۵) و ابن‌ماسویه» (۴)، «شَرَكَ و الخوز و ابن‌ماسویه» (۱۱/۵۸)، «ابن‌ماسویه و ماسرجویه و الخوز» (۱۱/۱۳)، «ماسرجویه و الخوز» (۱۱/۳۱) یاد می‌کند.

در موضعی (۱۶/۲۳۸) نقل قولی از رازی به وضوح تمام این نکته را روشن می‌کند، که منظور وی مرجع معینی است و نه یک گروه از مراجع، او می‌گوید: «الخوز و الطبری قالا»، یعنی این که هر دو، خوز و طبری گفته‌اند. به این دلایل باید پذیریم که «الخوز»، یک شخصیت منحصر مورد نظر است که مراد از آن- از فعل «قالت» چنین بر می‌آید- یک پزشک زن است. این که آیا از اهالی جندی‌شاپور بوده (بدون این‌که در این مورد به یاد ارتباط نام او با خوزستان بیافتیم) یا بانوی پزشکی از اهالی سوریه یا از عرب‌های مسیحی، نکته‌ای است که با معلومات امروزی خود نمی‌توانیم آن را مشخص کنیم، ولی فقط به گمان

در این مطالعه، ۲۱۷ مورد واژگان و مشتقان خوز از کتاب الحاوی، ۱۶ مورد از کتاب قانون، ۴۴ مورد از کتاب مفردات ابن‌بیطار و ۱۷ مورد از کتاب صیدنه استخراج شد.

مانفرد اولمان در بررسی کتاب الحاوی مجموعاً ۹۳ بار واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است. در مقایسه‌ی بین یافته‌های این مطالعه و یافته‌های اولمان، موردی که در کتاب اولمان ذکر شده باشد و در این مطالعه یافت نشده باشد وجود نداشت (۲). همچنین فؤاد سزگین نیز در بررسی کتاب الحاوی مجموعاً ۶۵ بار واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است (۱). نتایج این مطالعه با موارد ذکر شده توسط سزگین هم مقایسه شد. سزگین از کتاب الحاوی چاپ اول حیدرآباد استفاده کرده است که سال چاپ آن ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۹ و تا جلد ۲۱ در اختیار بوده است (۴) و مجلدات بعدی تا آن زمان چاپ نشده بود. این نکته قابل ذکر است که سال چاپ کتب مورد استفاده سزگین و مطالعه‌ی حاضر مشابه است. دو مورد زیر در کتاب سزگین ذکر شده است ولی در جستجوی ما یافت نشد که البته به نظر می‌رسد یک مورد اشتباه ایشان و یک مورد احتمالاً جابجایی صفحه باشد (جدول ۱).

همچنین لکلرک از رازی در کتاب الحاوی، مجموعاً ۵۰ بار، از سرابیون بزرگتر ۳ بار، از سرابیون کوچکتر ۲۶ بار و از ابن‌بیطار ۴۴ بار واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است (۳). در مورد الحاوی بررسی این مطالعه کامل‌تر بوده ولی دو منبع دیگر مورد ارزیابی قرار نگرفت. همچنین به علت عدم وجود فهرست مربوطه، مقایسه‌ی بین یافته‌های این مطالعه و یافته‌های او مقدور نبود.

جدول ۱. مقایسه‌ی نتایج مطالعه‌ی سزگین و مطالعه‌ی حاضر در مورد واژگان مرتبط با خوز در کتاب الحاوی

بررسی سزگین	مطالعه‌ی حاضر	صفحه	جلد	ردیف
در بررسی کتاب الحاوی در این صفحه کلمه‌ی ورق الجوز آمده است.	۹	۱۴۹	۱	۱
در صفحه ۴۹۸ واژه خوز ذکر شده است.	۲۱	۴۹۸	۲	۲

ب- اشکال مختلف کاربرد خوز و خوزی در کتاب الحاوی:

جدول ۲. عبارات مختلف ارجاعی به خوز و خوزی در کتاب الحاوی

رديف	الخوز	قالت الخوز	الخوزي	قالت الخوزي	الخوز قاطبه	الخوز في شوسماهي	الخوز تقول فيه	اجتمعت الخوز	لى على ما رأيت للخوز	قالت الخوز قاطبه	عند ذكره الخوز	سفوف للخوز	الخوز قال	الخوزي قال (در متن الخوزي قالت مى باشد)	قيل في جامع الخوز	قيل في شوسماهي الخوز	قيل ذلك في شوسماهي الخوز	اصبت في شوسماهي للخوز	رداد	وقيل في شوسماهي الخوز و ماسرجويه	رديف	تعداد	
۱	اصبت في شوسماهي للخوز																			۱			۱
۲	قالت الخوز																			۲	الخوز		۱
۳	الخوزي																			۳	الخوز		۱
۴	الخوز قال																			۴	الخوز قال		۱
۵	قال الخوزي																			۵	الخوزي		۱
۶	الخوز قاطبه																			۶	الخوز قاطبه		۱
۷	الخوز في شوسماهي																			۷	الخوز في شوسماهي		۱
۸	في شوسماهي الخوز																			۸	في شوسماهي الخوز		۱
۹	الخوز تقول فيه																			۹	الخوز تقول فيه		۱
۱۰	اجتمعت الخوز																			۱۰	اجتمعت الخوز		۱
۱۱	لى على ما رأيت للخوز																			۱۱	لى على ما رأيت للخوز		۱
۱۲	قالت الخوز قاطبه																			۱۲	قالت الخوز قاطبه		۱
۱۳	عند ذكره الخوز																			۱۳	عند ذكره الخوز		۱
۱۴	سفوف للخوز																			۱۴	سفوف للخوز		۱
۱۵	الخوز قال																			۱۵	الخوز قال		۱
۱۶	الخوزي قال (در متن الخوزي قالت مى باشد)																			۱۶	الخوزي قال (در متن الخوزي قالت مى باشد)		۱
۱۷	قيل في جامع الخوز																			۱۷	قيل في جامع الخوز		۱
۱۸	قيل في شوسماهي الخوز																			۱۸	قيل في شوسماهي الخوز		۱
۱۹	قيل ذلك في شوسماهي الخوز																			۱۹	قيل ذلك في شوسماهي الخوز		۱
۲۰	اصبت في شوسماهي للخوز																			۲۰	اصبت في شوسماهي للخوز		۱

دکتر زریاب نیز در این رابطه می فرمایند:

«مقصود از الخوز همان اطبای مکتب جندی‌شاپور است که از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوم هجری بزرگترین مرکز طبی برای ایران و عراق بوده است و اطبای نامداری به جهان اسلام عرضه داشته است. «فى الخوز» همان کتاب یا کتاب‌هایی را که اطبای این مکتب در داروشناسی و طب نوشته‌اند، بیان می‌کند. این کتاب یا کتاب‌ها به صورت جمعی یا گروهی نوشته شده بودند و چنین می‌نماید که اگر همگی بر مطلبی متفق بودند در نقل از آن به «قالت الخوز» تعبیر شده و اگر یکی از ایشان مطلبی خاص به خود اظهار داشته بود از گفته‌ی او به «قال

می‌توان گفت که وی حداکثر در قرن ۲ هـ / ۸ می‌زیسته است. هنوز باید نشان قطعات آثار او را در مأخذ بیشتری جست و در اهمیت او در تاریخ پژوهشی به تحقیق پرداخت (۱). ولی با توجه به استقصای کامل این مطالعه و بیاناتی مانند «الخوز قاطبه» (۲۶/۹، ۲۵۹/۱۹، ۲۵۹/۲۱)، «اجتمعت الخوز على» (۱۴۵/۹) و «قالت الخوز قاطبه» (۴۵/۲۱) و همچنین بررسی لغوی خوز و سابقه‌ی تاریخی آن، که در مقدمه ذکر شده، به احتمال قوی خوز اطبای مکتب جندی‌شاپور یا گروهی از آن‌ها هستند که مطالب خود را به صورت دسته جمعی در کتاب‌های خود بیان نموده‌اند.

هرگاه نظر یکی از آنان بوده، به صورت «الخوزی» آورده شده است. ظاهراً دکتر زریاب این نظریه را ترجیح می‌دهند. ایشان در مقدمه‌ی صیدنه می‌فرمایند: «کتاب شوسماهی و یا کتاب کناش الخوز کتابی بوده است، ظاهراً در ادویه‌ی مفرد که به صورت جمعی از سوی اطبای جندی‌شاپور به زبان سریانی که زبان علمی بوده است تدوین شده بوده و اگر همه‌ی مولفان کتاب بر امری مثلاً خاصیت دارویی متفق بودند از آن به «قالت الخوز» و «قالت الخوز قاطبه» و یا «الخوز...» تعبیر شده است و اگر یکی از ایشان مطلب خاصی را بیان داشته‌اند، از او به «الخوزی» تعبیر شده است» (۷).

۲- کتاب‌های خوزیان:

با توجه به عباراتی مانند «قبل فی جامع الخوز» (۳۶۶/۲)، «الخوز فی شوسماهی» (۴۱۱/۲۰)، «فی شوسماهی الخوز» (۵۶۳/۲۱)، «قبل فی شوسماهی الخوز» (۵۶۳/۲۱)، «اصبت فی شوسماهی للخوز» (۵۵۳/۲۱)، (۲۰۲/۲۱)، (۵۴۱/۲۰)، (۴۱۲/۲۰)، به نظر می‌رسد خوزیان دو کتاب به نام‌های جامع الخوز و شوسماهی الخوز یا شوسماهی الخوز تألیف نموده بودند، همچنین با توجه به اشاره‌ی بیرونی در کتاب «الجماهیر» به کتاب «کناش الخوز» و ذکر مطالبی از آن (۷)، به نظر می‌رسد یا خوزیان کتاب سومی داشته‌اند و یا اینکه این کتاب همان جامع الخوز می‌باشد. اولمان نیز در کتاب خود که به زبان آلمانی است، اشاره می‌کند که کتاب «کناش الخوز» کتاب یا رساله‌ای طبی بوده که اطبای جندی‌شاپور در خوزستان تألیف کرده بودند. گویا این کتاب به زبان سریانی بوده و قطعات فراوانی از ترجمه‌ی عربی آن در دست است (۲).

احتمالاً این کتاب‌ها اولین کتاب‌های پزشکی و داروسازی هستند که به صورت گروهی تألیف گردیده و اجماع خوزیان و مكتب جندی‌شاپور را برای جهانیان در دل تاریخ ثبت نموده‌اند و به علت اهمیت این کتاب‌ها، تا قرن‌ها بعد به آن‌ها ارجاع می‌شده است، و این حاکی از اصالت علمی و دید والای این اندیشمندان و بیانگر اهمیت مكتب طبی خوزیان در جندی‌شاپور می‌باشد. و این همان روشی است که امروزه در نگارش کتاب‌های مرجع

الخوزی» تعبیر شده است. نظیر این اختلاف در الحاوی رازی در مواضع متعدد و در ابن‌البیطار (شاید به نقل از الحاوی) دیده می‌شود. مایر هو夫 در مقدمه‌ی آلمانی صیدنه حدس لکلرک را تایید می‌کند و می‌گوید: مقصود از «الخوز» مكتب مشهور اطبای جندی‌شاپور واقع در خوزستان است که در قرن پنجم مسیحی بوسیله خسرو انوشیروان تأسیس شده بود و تا قرن سوم هجری از اعتبار و احترام زیادی برخوردار بود...، اما بررسی‌های آقای سزگین در الحاوی کامل نبوده است، زیرا در جلد ۲۱ آن دو بار به صورتی از «الخوز» نقل شده است که حدس‌های لکلرک و مایر هو夫 و اولمان را در این که مقصود از «الخوز» مكتب اطبای جندی‌شاپور و یا خود اطبای مذکور است تایید می‌کند. توضیح آن که در جلد ۲۱، ص ۴۵ الحاوی آمده است: «قالت الخوز قاطبه» و در صفحه‌ی ۷۰ همان جلد آمده است: «الخوز قاطبه» و همین با صراحة و قاطعیت می‌رساند که «الخوز» گروهی از مردمان خوزستان بوده‌اند که همان اطبای جندی‌شاپور باشند و این گروه به طور مشترک کتابی در طب یا ادویه‌ی مفرد تألیف کرده بودند که نام آن کناش الخوز بوده است. «الخوز گروهی از مردمان منسوب به خوزستان هستند که به اطبای جندی‌شاپور شهرت داشته‌اند. این گروه علاوه‌بر کتاب‌های انفرادی به تألیف و تدوین جمعی برخی کتاب‌ها پرداخته‌اند که در زمینه‌ی طب و ادویه مفرد بوده است و بهمین نام در برخی کتاب‌ها از آن‌ها نقل قول شده است» (۷).

ولی باید به این نکته‌ی ظریف توجه داشت که نقل قول‌های مربوط به خوزی در مجلدات شماره‌ی ۲۰ تا ۲۳ می‌باشد و فقط یک مورد در مجلد شماره‌ی از خوزی نقل قول شده است در حالی که ارجاع‌های «الخوز» در تمامی مجلدات الحاوی پراکنده است و این مطلب احتمالاً نشان‌دهنده تفاوت «خوز» با «خوزی» می‌باشد که برای آن صور زیر متصور است:

- کتاب‌های خوز و خوزی جدا بوده است، جامع الخوز و شوسماهی الخوز مربوط به خوزیان بوده و کتاب خوزی کتاب و مرجعی جداگانه و احتمالاً با موضوع علم مفردات پزشکی بوده است.
- کتاب‌های خوز و خوزی یکی بوده و هرگاه نظرات خوزیان مشترک بوده، تحت عنوان «الخوز» ذکر گردیده است و

نیز از قول خوز نقل گردیده و این می‌تواند این شبهه را پیش آورد که احتمالاً ابن‌بیطار این جمله را از ابن‌سینا بدون ذکر منبع نقل قول نموده، ولی دقت نظر ابن‌بیطار در ذکر منابع و همچنین ادامه‌ی بیان او در ذیل همین مفردہ «او برای ڈل‌های تازه مفید است و آن‌ها را در جا ترمیم و به هم جوش می‌دهد» که بیانی منحصر بفرد از خوز تا زمان ابن‌بیطار می‌باشد و در هیچیک از سه منبع معتبر مورد مطالعه‌ی ما نیز نیامده است این شبهه را رفع می‌کند. از موارد دیگر مذکور توسط ابن‌بیطار که در سه کتاب دیگر نیامده می‌توان به خندقوقی بری، جرجیر، فراخ‌الحمام، مثنان، مرماحور و کربن ... اشاره نمود.

موارد دیگری را نیز بیرونی (قرن ۵ هجری قمری) از خوز ذکر نموده که در سه کتاب دیگر نیامده است، مانند مفردہ بسفایج، هرمس، بیش موشک، ایراما میز، تفاح، جنتیانا و ... این بیانات منحصر بفرد بیرونی و ابن‌بیطار نشان دهنده‌ی در دسترس بودن بعضی کتاب‌های خوزیان در سراسر جهان اسلام و حتی آندرس آن روز می‌باشد. از سوی دیگر بیان ابن‌بیطار در ذیل مفردہ «بل»، «سوندا» و «لحم الحمیر» گفته‌های خوزیان را به نقل از رازی ذکر می‌کند و این نشان می‌دهد که در آثاری از خوز که در دسترس ابن‌بیطار بوده این جمله وجود نداشته و او از رازی نقل قول نموده است.

همچنین آخرین ردپای خوزی که تا کنون یافته شده است، در بیانِ مؤلف کتاب افیونیه، عمادالدین محمود، طبیب قرن دهم هجری در ذیل توضیح خواص زعفران می‌باشد که مطالب آن بیش از گفته‌های رازی و دیگران است:

«خوزی گفته زعفران هیچ خلط را تغییر نمی‌دهد بلکه حفظ می‌کند اخلاط را بالسویه و اندک آن معده را دباغت کند و بسیارش مضر بود به معده و دماغ و تقویت کبد کند و مثانه و گرده را پاک می‌سازد و اگر نُبول از آن کنند بیداری که از بلغم حداث شده زایل کند و خواب آرد و سدر احداث کند و طحال را نافع است و برگ زعفران جراحت را مندل سازد و اگر اکتحال کنند نزول آب را مفید بود و روغن زعفران نزدیک به همین فواید، فواید دارد از اندمال جراحت و طحال را و گرده را و مثانه را پاک ساختن و خواب آوردن.»

(Textbook) در دانشگاه‌های بزرگ دنیا به کار می‌رود.

۳- قرابت دیدگاه‌های علمی خوزیان با دیگر دانشمندان:
با مراجعه به جدول ۲ از ردیف ۲۲ تا ردیف ۳۹ نام خوز و خوزی با نام حکما و اطبای دیگر که نظرات علمی مشترکی با یکدیگر داشته‌اند، ذکر گردیده است. این نام‌ها به ترتیب تکرار نام عبارتند از: قله‌مان، ابن‌ماسه، طبری، ابن‌ماسویه، ابوجریح، بدیغورس، مسیح، ماسرجویه، شرک‌الهندي، الهندي، سندھشار، بولس، ماسویه.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نام ابن‌ماسویه ۱۰ بار، و نام ماسرجویه ۹ بار در کنار نام خوز قرار گرفته است و این نشان دهنده‌ی این مطلب است که این افراد بیش از دیگران اشتراک نظر علمی با خوز داشته‌اند و این مطلب دور از ذهن نمی‌باشد زیرا ابن‌ماسویه از بزرگان و اطباء خوزیان و ماسرجویه از دانشمندان و حکماء مکتب جندی‌شاپور می‌باشند (۱).

ج- مقایسه‌ی تفاوت‌های ارجاع‌ها به خوز در منابع چهارگانه:

در جدول ۳ مفردات یکسانی که حداقل در دو کتاب از چهار کتاب مورد بررسی در رابطه با آن‌ها اظهار نظر شده و در جدول ۴ مفرداتی که فقط در کتاب الحاوی به آن‌ها ارجاع داده شده و در جدول ۵ مفرداتی که فقط در یکی از کتاب‌های چهارگانه به جز الحاوی ذکر شده، ارایه گردیده است. در این جدول در اصل به این سوال پاسخ داده شده است که آیا در زمان ابن‌بیطار به عنوان مثال، کتاب یا کتاب‌های خوزیان در دسترس بوده است و یا این‌که آنان به نقل قول از رازی یا دیگران اکتفا نموده‌اند و اصلاً کتاب خوزیان در دسترس آن‌ها نبوده و مدت‌ها پیش مفقود گردیده بوده است.

بررسی کامل این جدول نشان می‌دهد که احتمالاً بعضی از این منابع حداقل تا زمان ابن‌بیطار (قرن ۷ هجری قمری) در دسترس و بعضی در دسترس نبوده است. مثلاً ابن‌بیطار در ذیل مفردہ «او بو طیلون» از قول خوز بیان می‌کند که «آن به همین اسم معروف است» و این جمله عیناً توسط ابن‌سینا

جدول ۳. مقایسه ارجاع‌ها به خوز و خوزی در منابع چهارگانه‌ی الحاوی، القانون، الجامع و الصیدنه در رابطه با یک مفردی معین.

صیدنه	جامع	قانون	حاوی
		أشنه	أشنه
		خوزیان گفته‌اند: آن سرد و بسیار خشک است.	خوزیان: اشنه حالت تهوع را فرو می‌نشاند اگر در شراب خیسانده و نوشیده شود.
		آبنوس	خوزی گفته است: وقتی در شراب خیسانده شود، آن شراب، خواب بسیار عمیقی می‌آورد.
		آبنوس	خوزیان: آبنوس سنگ مثانه را خرد می‌کند.
	ابوطیلیون	خوزیان گفته‌اند: سنگ کلیه را خرد می‌کند.	
	ابوطیلیون	خوزیان گفته‌اند: آن به همین اسم معروف است و برای دمل‌های تازه مفید است و آن‌ها را در جا ترمیم و به هم جوش می‌دهد.	ابوطیلیون
		گردو	گردو
		خوزیان: گردو موجب سنگینی زبان و بشور در دهان می‌شود.	خوزیان: روغن گردو اگر چندین بار نوشیده شود، هر روز یک اوقیه، کرم را می‌اندازد.
	زنجبیل	خوزیان گفته است: شکم را بند می‌آورد.	زنجبیل
	زنجبیل	خوزی گفته است: شکم را بند می‌آورد.	بن ماسویه، شرک الهندی، خوزیان و ماسرجویه: زنجبل قوای جنسی را زیاد می‌کند.
	زعفران	خوزی گفته است: به هیچ خلطی را تغییر نمی‌دهد بلکه خلطی را تغییر نمی‌دهد، بلکه آن را در حالت خشکی نگه می‌دارد و عفونت را برطرف می‌کند و رودها را تقویت می‌کند.	زعفران
		کنگر	کنگر
		خوزی گفته است: سرد و تر است و نیز گفته است: آن تولید سوداء می‌کند.	خوزیان گفته‌اند: همانا کنگر، سرد و تر و غلیظ است و ایجاد انسداد می‌کند.
گاودانه	گاودانه	به گمان خوزی: دانه‌ی آن شبیه بهدانه است.	گاودانه
گاودانه			خوزیان: گاودانه، دانه‌ای است که گاو آن را در مغرب می‌خورد و طلای آن برای کچلی و درد گوش مفید است و اگر با مخیطه ترکیب شود برای سرفه مفید است. اگر با مطجننا نیز نوشیده شود برای سرفه مفید است و آن دانه‌ای است شبیه به دانه‌ی به.
		لان	خوزیان گفته‌اند: در اول گرم بوده و ملیّن است و برای سرفه مفید است.
		خوزی گفته است: سرد و قابض است.	لان
			خوزیان: لان سرد و قابض است و شکم را بند می‌آورد.

صیادنه	جامع	قانون	حاوی
گاو زبان	خوزیان: اگر برگ آن سوزانده شود برای خواری سستی لته و قلاع بخصوص در دهان کودکان و برای هر نوع حرارتی که در دهان باشد، مفید است.	گاو زبان خوزیان گفته‌اند: در آخر دوم سرد و تر است.	گاو زبان خوزیان: گاوزبان و برگ آن وقتی سوزانده شود برای قلاع و فساد لته و حرارت در دهان مفید است.
بللب	از دیدگاه خوزی: آن سرد است.		بللب خوزیان: سرد و مسهل است و برای تب سخت مفید است.
مورد اسفرم	خوزیان گفته‌اند: در قوت [مانند] افسنتین رومی و با قرض بیشتر است و در درجه‌ی دوم گرم و خشک می‌باشد. برای سردد و رطوبت مغز مفید است و معده و کبد را تقویت می‌کند و بر کسی که بر روی شکم و احشاء افتاده و برای کرم‌ها به صورت شیاف مفید است.	خوزی گفته است: همان قوت افسنتین رومی را دارد و قرض آن بیشتر است.	مورد اسفرم خوزی: قدرتش مانند قدرت افسنتین رومی است، معده و کبد را تقویت می‌کند و بسیار قابض است.
پلنگ	خوزی گفته است: پیه پلنگ بهترین دارو برای فالج است.		پلنگ خوزی: چربیش بهترین دارو برای فالج است و صفرای آن کُشنده است و صفرای ببر و همچنین چربی آن در آن نافذتر است.
فرفیون	خوزیان گفته‌اند: فرفیون دهانه‌ی رحم را آنچنان به هم می‌چسباند که مانع داروهای سقط جنین می‌شود. و نیز گفته‌اند: آن مسهل بلغم لزجی است که در سرین و پشت و روده ماندگار است...	فرفیون خوزیان گفته‌اند: دهانه‌ی رحم را آنچنان به هم می‌چسباند که مانع داروهای سقط جنین می‌شود. و نیز گفته‌اند: آن مسهل بلغم لزجی است که در سرین و پشت و روده ماندگار است...	فرفیون خوزیان: فرفیون دهانه‌ی رحم را بسیار جمع و مانع از سقط جنین می‌شود، اگر به مادران قبل از سقط نوشانده شود.
ریوند	خوزیان گفته‌اند: آن در درجه‌ی دوم گرم و خشک است و اگر با سرکه مخلوط شود و به صورت طلا شود، کلف را میرسد.	ریوند خوزی گفته است: میزان مصرف در ترکیب طلای آن دو درهم است و برای فسخها [در رفتگی‌ها و گستینگی‌ها] اگر با شراب ریحانی میل شود، همچنین با روغنش برای فسخ عضله، درد و کشش آن روغن مالی می‌شود و نیز برای فتق مفید است.	ریوند خوزیان: خوب است وقتی دو درهم از طلای ممزوج آن برای ضربه و سقطه استفاده شود که در آن فوق العاده است و گفته‌اند: احتمالاً گرم و خشک در دوم است و وقتی با سرکه کوییده شود و ضماد آن بر روی کلف مالیده شود، آن را از بین میرسد.
انقوانقون	خوزیان گفته‌اند: هر کس آن را استفاده کند از حافظه‌ای خوب و عقلی نیکو برخوردار می‌شود.		انقوانقون خوزیان گفته‌اند: هر کس آن را استفاده کند، حافظه‌اش خوب و عقلش نیکو گردد.
بذر کتان	خوزیان گفته‌اند: در انداختن جنین و اسهال آب بی‌نظیر است.		بذر کتان خوزیان: از چیزهایی که درد نقرس را فرو می‌نشاند این است که بذر کتان سوزانده شود.

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
فندق هندی خوزیان: برای فلچ خوب است.		بل	بل خوزیان گفته‌اند: خیار هندی است: آن خیار بری هندی است.
شنبلیله خوزیان گفته‌اند: شنبلیله سینه را پاک می‌کند. خوزیان: شنبلیله قوای جنسی را زیاد می‌کند. خوزیان: سبزی شنبلیله و بذر آن هر دو قوای جنسی را تحریک می‌کنند. خوزیان گفته‌اند: شنبلیله تازه خون را زیاد می‌کند.		فندق هندی خوزیان گفته‌اند: برای بیماری فلچ مفید است. شنبلیله خوزیان: شنبلیله تازه خون را بسیار زیاد می‌کند.	
فضله‌ی کبوتر خوزیان گفته‌اند: وقتی فضله کبوتر با آب پخته شود و در آن نشسته شود برای احتباس ادرار مفید است.		فضله‌ی کبوتر خوزیان: فضله‌ی کبوتر وقتی با آب پخته شود و کسی که عسر الول دارد، در آن بنشیند، بسیار برای او مفید است.	
گوشت الاغ خوزیان گفته‌اند: گوشت الاغ وقتی پخته شود برای صاحب کراز که بیوست زیاد دارد بسیار مفید است.		گوشت الاغ رازی: خوزیان گفته‌اند: وقتی گوشت الاغ پخته شود و فرد مبتلا به کراز ناشی از خشکی زیاد، در آن بنشیند، بسیار برایش مفید است.	
خبرزالحواری خوزیان گفته‌اند: خبرزالحواری بدن را چاق می‌کند.		خبرزالحواری خوزیان گفته‌اند: قوت خبرزالحواری بدن را چاق می‌کند.	
کرچک خوزیان گفته‌اند: بهترین نرم کننده است که هر نوع سفتی را نرم می‌کند.		کرچک خوزیان گفته‌اند: است که هرگونه سفتی و صلابت را چه با خوردنش و چه با ضمادش، نرم می‌کند.	
ذرادیج خوزیان گفته‌اند: طلا کردن با آن بسیار برای سعفه و برص مفید است.		ذرادیج خوزیان: برای سعفه مفید است، اگر با سرکه بصورت رقیق مالیده شود.	
زرنیخ خوزیان گفته‌اند: زرنیخ سه نوع است: یک نوع سفید که کشنده است و یک نوع زرد آن برای ضربه‌یدگی ناشی از عصا، تازیانه و خراشیدگی خوب است و اگر طلا شود آثار خون مرده را می‌برد و قرمز آن در قلقنده‌یون بهتر است.		زرنیخ خوزیان گفته‌اند: سه نوع است: یک نوع سفید است و آن کشنده است و یک نوع زرد است که برای آثار ضربه با عصا و تازیانه و جای خراش و پاره‌گی خوب است و طلای آن خون مردگی را از بین می‌برد و نوع قرمز آن بهتر از فلدفیون است.	
روغن گاو خوزیان گفته‌اند: مانع رسیدن سم مارهای افعی به قلب می‌شود.		روغن گاو خوزیان گفته‌اند: از رسیدن سم مارهای افعی به قلب جلوگیری می‌کند.	

صیبدنه	جامع	قانون	حاوی
طباشیر	خوبی: برای سوزاندن مرّه حمراء خوب است و شکم را می‌بندد و معده را با نوشیدنش و با طلاکردن با آن تقویت می‌کند.		طباشیر خوبی: برای خفغان قلب مفید است و آن سرد و خشک در سوم است، شکم را می‌بندد و برای دهان و احتراق مرّه مفید است و معده را تقویت می‌کند و برای غش مفید است، اگر از آن خورده شود و یا با آن طلا شود و برای خفغان و حرارت و بشورات دهان کودکان خوب است. طباشیر بسیار از قی جلوگیری می‌کند و حرارت و گرمی معده را فرو می‌نشاند، اگر سه درهم از آن با آب آثار ترش نوشیده شود. خوزیان: طباشیر برای خفغان همراه با حرارت شدید خوب است.
طرفاء	خوزیان: دود داده طرفاء برای ورم‌های سرد و اغلب ورم‌ها مفید است.		طرفاء خوزیان: سرد و لطیف و خشک است و اگر دود داده شود برای ورم‌های سرد و برای بیشتر ورم‌ها مفید است.
گل مختوم	خوزیان: بهترین آن رایحه‌ای مانند رایحه‌ی زاج دارد و اگر بر دهانه‌ی زخمی که خون از آن جاری است، پاشیده شود، آن خونریزی را قطع می‌کند.		گل مختوم خوزیان: اگر کوبیده شود و در دهان پاشیده شود، خون جاری را قطع می‌کند و البته دارویی که قطع کننده‌تر از آن برای خون باشد، نیست. خوزیان: دارویی قطع کننده‌تر از گل مختوم خالص برای خونریزی نیست. خوزیان: گل مختوم خالص اگر بر روی دهانه‌ی زخمی که خون از آن جاری است، پاشیده شود، خون را قطع می‌کند. خوزی گفته است: بهترینش رایحه شوید را دارد و اگر روی دهانه‌ی [ازخمی] که خون از آن جاری می‌شود، گذارده شود، خون آن را بند می‌آورد.
ترب	خوزیان: نعروظ و منی را افزایش می‌دهد و بذر آن قی می‌آورد.		ترب خوزیان: ترب هم منی و هم نعروظ را زیاد می‌کند. خوزی: نعروظ و منی را زیاد می‌کند. خوزیان گفته‌اند: بذر آن برای قیء مفید است. خوزیان: بذر ترب قی را بر می‌انگیزد.
کاشم رومی	خوزیان: برای کرم‌های بزرگ شکم یک درهم از آن با شراب ممزوج نوشیده می‌شود و برای صاحبان استسقاء دو درهم با آب گرم.		کاشم خوزیان: یک درهم از آن با شراب ترکیب شود کرم‌های بزرگ داخل شکم را و دو درهم از آن صاحبان استسقاء را درمان می‌کند. خوزیان گفته‌اند: دو درهم از کاشم با شراب برای دفع کرم‌های بزرگ نوشیده شود.
قارچ	خوزیان: زیاده روی در قطر موجب سختی ادرار بر جای می‌گذارد.		قارچ خوزیان: زیاده روی در قطر موجب سختی ادرار می‌شود.
کدو	خوزیان: برای درد حلق مفید است.		کدو خوزی: برای درد حلق مفید است.

صیادنه	جامع	قانون	حاوی
	قطا خوزیان: گوشت آن خشک است و گرم نیست، آن برای کسی که انسداد و ضعف کبد و فساد مزاج و استسقاء دارد، مفید است و تولید سودا می‌کند.	قطا خوزی: گوشت آن در نهایت خشکی است و حرارت آن شدید نیست. برای روان‌سازی شکم و استسقاء مفید است.	
	قطوریون خوزیان: آب زرد را اسهال قوى می‌دهد.	قطوریون خوزیان: قطوریون کوچک مسهل قوى برای آب است. خوزی گفته است: قطوریون دو نوع است: بزرگ و کوچک. هر دو نوع آن در آخر بهار می‌رویند و برگ آن شبیه اش است.	
	گشنیز خوزیان: اگر خشک آن خیسانده شود و آب آن، با شکر نوشیده شود، نعروظ شدید را قطع می‌کند و منی را خشک می‌نماید.	گشنیز خوزیان: خشک آن وقتی خیسانده شود و آبش با شکر نوشیده شود نعروظ شدید را از بین می‌برد و منی را می‌خشکاند.	
	کسیلا خوزیان: آن در حرارت و رطوبت معتدل است و معده را تقویت می‌کند و چاق کننده است و زنان بدان منتظر از آن استفاده می‌کند.	کسیلا در جامع خوزیان گفته شده است: گرم و تراست و برای شل شدن معده خوب است و چاق می‌کند.	
کماشیر خوزی: صمغی است که شبیه جاوشیر می‌باشد.	کماشیر خوزیان گفته‌اند: در انداختن جنین و اسهال آب نظیری برای آن وجود ندارد.	کماشیر خوزیان و ابن‌ماسویه: کماشیر داروی هندی است در درجه‌ی چهارم از حرارت، از فربیون گرفته می‌شود و نظیری برای آن در انداختن جنین وجود ندارد.	
	کهربا خوزیان: خون دماغ را قطع می‌کند و اگر بر فردی که ورم‌های گرم دارد بسته شود، برای آن مفید است.	کهربا خوزیان: کهربا اگر بر روی ورم‌های شدید بسته شود مفید است و آن سرد است و برای خفقان و نفت الدم و خون دماغ مفید است.	
	مازربیون خوزیان گفته‌اند: گرم و خشک در درجه‌ی چهارم است و رطوبت کبد و تمامی بدن همه‌ی بدن را می‌خورد و استسقاء را بر کسی که آن را می‌نوشد، سرعت می‌بخشد.	مازربیون خوزیان: خاصیت مازربیون اسهال سوداء است و آن در چهارم خشک است و رطوبت کبد و تمامی بدن را می‌خورد و استسقاء را برای کسی که آن را بنوشد سرعت می‌بخشد و برای زخم‌های بد مفید است.	
		خوزیان: کف آن (مازربیون) کبد را به شدت می‌خورد و استسقاء را در مصرف کننده‌اش سرعت می‌دهد و گفته‌اند مازربیون به طور خاص، مسهل سوداء است.	
		ابن‌ماسویه، خوزیان و هندی: کهنه و قدیمی آن گرم کدو را خارج می‌کند.	

حاوی	قانون	جامع	صیدنہ
مردادسنچ	در شوسماهی خوزیان: مردادسنچ سفید مهمترین منفعتش این است که آثار باقیمانده از زخم‌ها و غیر آن را در صورت پاک می‌کند. اگر مردادسنچ شسته شود سرد در دوم است.	خوزیان: نوع سفید آن بوی زیر بغل را قطع می‌کند و رانجه عرق را خوش می‌کند.	مردادسنچ
خوزیان گفته‌اند: خشکی مردادسنچ سفید، زیاد است و بیشترین منفعت آن برای کسی است که می‌خواهد آثار زخم‌های ناشی از آبله و غیر آن را زین ببرد و بوی زیر بغل را قطع می‌کند و جلوی عرق جاری را می‌گیرد. مردادسنچ از انواع سم است و وقتی نوشیده شود شکم را بند می‌آورد و ورم داخلی ایجاد می‌کند و مرگ را به همراه می‌آورد.	خوزیان گفته‌اند: بزرگترین منفعت مردادسنچ سفید این است که آثار زخم‌ها و آبله را قادر بالایی از بین می‌برد و البته آن را زخم نمی‌کند.	خوزیان: خودکی مردادسنچ سفید، زیاد است	خوزیان: خوزیان: نوع سفید آن بوی زیر بغل را قطع می‌کند و رانجه عرق را خوش می‌کند.
زرد آلو	خوزیان: مُسهَل صفراء است و خلط غلیظ تولید می‌کند که تب از آن ناشی می‌شود.	خوزیان: مُسهَل آب زرد و صفرا می‌باشد و خلطی غلیظ تولید می‌کند.	زرد آلو
خوزیان: نمک هندی مُسهَل آب زرد است و بادها را دفع می‌کند و مُلْئِن شکم است و بلغم را از بین می‌برد و قلب را محکم می‌کند و برای درد آن مفید است و میل به غذا افزایش می‌دهد. تمامی اقسام نمک‌ها برای انواع دُمل و تخمه خوب است و غذا را هضم می‌کند و زردی را از صورت می‌برد.	خوزیان: نمک هندی مُسهَل آب زرد است و نمک اندرانی مُسهَل بلغم است.	خوزیان: نمک هندی مُسهَل آب زرد است و بادها را دفع می‌کند و مُلْئِن شکم است و بلغم را از بین می‌برد و قلب را محکم می‌کند و برای درد آن مفید است و میل به غذا افزایش می‌دهد. تمامی اقسام نمک‌ها برای انواع دُمل و تخمه خوب است و غذا را هضم می‌کند و زردی را از صورت می‌برد.	نمک هندی
مومیائی	خوزیان: آن دارویی است که از هر داروی دیگری برای نفث الدم مؤثرer است و آن اگر با زنبق حل شود و برداشته شود برای بی‌صبری در احتباس ادرار مفید است.	خوزیان: گفته است: سورنجان ریشه‌ی رویانی است که قبل از باران‌ها می‌روید و آن دو نوع است: سفید و قرمز. سفید دارو است و قرمز بد است.	مومیائی
خوزیان: ریشه‌ی گیاهی است که در فصل پاییز در کوهپایه‌ها قبیل از بارش باران می‌روید.	خوزیان: گفته است: سورنجان ریشه‌ی رویانی است که قبل از باران‌ها می‌روید و آن دو نوع است: سفید و قرمز. سفید دارو است و قرمز بد است.	خوزیان: گفته است: سورنجان ریشه‌ی رویانی است که از هر داروی دیگری برای نفث الدم مؤثرer است و آن اگر با زنبق حل شود و برداشته شود برای بی‌صبری در احتباس ادرار مفید است.	سورنجان
کاکنج	خوزی گفته است: دو نوع است، یک نوع آن از ماه و اصفهان و مناطق سرد می‌آید.	خوزیان گفته‌اند: ریشه‌ی نیلوفر هندی قوت‌ش مانند قوت بیرون است.	کاکنج
خوزیان: در نواحی صباحان و ماه بسیار باشد.	خوزیان: ریشه‌ی نیلوفر هندی قوت‌ش مانند قوت بیرون است.	خوزیان: ریشه‌ی نیلوفر هندی قوت‌ش مانند قوت بیرون است.	نیلوفر هندی

جدول ۴. مفرداتی که فقط در کتاب الحاوی مورد اشاره قرار گرفته است.

۱	آب پنیر	۳۲	حرف	۶۳	زوفای رطب	۹۳	کماه
۲	آب گوارا	۳۳	حص	۶۴	زوفرای	۹۴	کنگر زد
۳	آزاد درخت	۳۴	حندقوقا	۶۵	سادوران	۹۵	کور گندم
۴	آمله	۳۵	حور	۶۶	سرگین گاو	۹۶	گلاب
۵	ابرامین	۳۶	همیشه بهار	۶۷	سقنقور	۹۷	گوشت کبک
۶	آلو	۳۷	حیلب	۶۸	سکبینج	۹۸	لاک پشت
۷	اربیاطایون	۳۸	خارد	۶۹	سندروس	۹۹	ماء الحدید
۸	اشترغاز	۳۹	پنیرک	۷۰	سوس	۱۰۰	محلب
۹	اشنان	۴۰	خبث	۷۱	سیر	۱۰۱	مرو
۱۰	تربیاک	۴۱	خبث الفضه	۷۲	شورق	۱۰۲	مسحقونیا
۱۱	انجره	۴۲	خردل سفید	۷۳	شیر گاو	۱۰۳	مصطفی کی
۱۲	إذخر	۴۳	خطر	۷۴	صبر عربی	۱۰۴	مغاث
۱۳	بازدوج	۴۴	خولنجان	۷۵	طرخشقوق	۱۰۵	کافشه
۱۴	آزاد درخت	۴۵	فلوس	۷۶	مورد	۱۰۶	مقل ازرق
۱۵	بلادر	۴۶	دادی	۷۷	عود هندی	۱۰۷	موز
۱۶	موسیر	۴۷	درونج	۷۸	غاریقون	۱۰۸	میگو
۱۷	پیاز	۴۸	ورد	۷۹	غافت	۱۰۹	مس
۱۸	تربد	۴۹	ذنب الخيل	۸۰	فاط	۱۱۰	نخود
۱۹	ترنجیین	۵۰	رئم داروع	۸۱	فوانیا	۱۱۱	نفت سفید
۲۰	ثیل	۵۱	ربیشا	۸۲	فار	۱۱۲	نفت سیاه
۲۱	جدوار	۵۲	رجله	۸۳	فوهة الصبغ	۱۱۳	نمک
۲۲	جهده	۵۳	زهره	۸۴	فوفل	۱۱۴	نیل
۲۳	جلد اروح	۵۴	رعی الحمام	۸۵	قبچ	۱۱۵	اگیر ترکی
۲۴	جنبداد ستر	۵۵	ريحان سليمان	۸۶	قرد مانا	۱۱۶	خرزهره
۲۵	جوز گندم	۵۶	ريه	۸۷	قصب الدريره	۱۱۷	هلیله سیاه
۲۶	چربی مرغابی	۵۷	جبوه	۸۸	قفونیا	۱۱۸	پیتو
۲۷	حاشش	۵۸	زاج الحبر	۸۹	قلقاں	۱۱۹	گوشت مرغ
۲۸	حب النیل	۵۹	زبان گنجشک	۹۰	کبر	۱۲۰	فندق
۲۹	حبل	۶۰	سرگین فیل	۹۱	کبک	۱۲۱	شیرین بیان
۳۰	حبه الخضراء	۶۱	زننbad	۹۲	کره شیرگاو	۱۲۲	مردانسروج
۳۱	حذاء	۶۲	زفت	۹۳	کشت بر کشت		

جدول ۵. مفرداتی که فقط در یکی از کتاب‌های القانون، الجامع و الصیدنه مورد اشاره قرار گرفته است.

قانون			
حايسيس	ارييد برييد (ارند برند)		
جامع			
مثنان	حندقوقی بری	سوندا	
مرماحور	فراخ الحمام		
صیدنه			
ورد منتن	ابرامامیز	كريث	
بيش موشك	جنتیانا	تفاح	
بسایج			
اصایع هرمس			

تشکر و قدردانی:

مقاله حاضر مستخرج از طرح تحقیقاتی "بازسازی کتاب خوز و خوزی" مصوب گروه طب اسلامی و سنتی و معاونت پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بدینوسیله مولفین مراتب تقدیر و سپاس گزاری خود را از حمایت‌های بی‌ دریغ ایشان اعلام می‌دارد.

منابع

۱. سزگین، فؤاد: تاریخ نگارش‌های عربی، ج^۳، ترجمه: جهانداری، کیکاووس. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۲. Ullmann, M. Die Medizin Im Islam; Leiden: E J Brill; 1970.
۳. Leclerc, L. Histoir de la Medicine Arabe; New York; N.Y.Burt Franklin; 1876.
۴. الرازی، ابی‌بکر محمدبن زکریا: الحاوی فی الطب. دائرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن، چاپ اول، ۱۹۵۵.
۵. ابن سینا، الشیخ الرئیس ابی علی: القانون فی الطب. تحقیق و تعلیق: الحسام، سعید. دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۵.
۶. ابن‌بیطار، ابو محمد عبدالله بن احمد: الجامع لمفردات الأدویة و الأغذیة. ج. ۱. دارالكتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۰.
۷. بیرونی، ابوریحان: کتاب الصیدنه فی الطب. تصحیح، مقدمه و تحشیه: زریاب، عباس، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.